

## برونو والتز: پیرو فروتن موسیقی

[به مناسبت شصتمین سال مرگ او]

«تالار پُر، هیجان زده از دیدار پیش رو، غوغا می کرد. و اکنون، از سمت چپ، از پشت پرده قرمز، با شایستگی - فروتنانه ای، حتی یک اروپایی بسیار توانا با سری جوگندی، بسیار باهوش، با چهره ای کمی دراز، تیره، به باور من، سوزناک - برش آتشین - حفره های بینی، پیشانی بسیار بلند، نگاهی آتشین - و همراه با این هم نرم و هم نافرمان بیرون آمد. او با مهربانی خم شده، رو به ارکستر کرده، نگاهی مهربانانه، دلگرم کننده و هیجانی به پیرامون نوازندگان انداخت. آرامش برپا شد. این زمانی روی می دهد، که آنها چشم برافشاگری هستند...»

همه اینها را با یادبودی از ته دل، بگونه ای ناروزمره [غیرمعمول] درایشناک نسبت به موسیقی، یک دانشجوی هجده ساله دانشگاه لنینگراد بنام ایراکلی آندونیکوف نگاه داشت، که سپس نویسنده و داستان نویس نامداری شد. یادماندهای او درباره برونو والتز را می توان نه تنها همچون پدیده ای فرهنگی، نه تنها از آن روی که نویسنده آن را بگونه ای داستانی بیان کرده، بلکه به خاطر ارزشمند بودن رویدادهایی که سخن از آنها می رود به دیده انگاشت. اجراهای والتز در لنینگراد در سال ۱۹۲۷ (و پیش از آن در سال های ۱۹۱۳/۱۴ و ۱۹۲۳ در مسکو) که هنر اجرایی روسیه را پربار کرد، برانگیزنده گیرایی و مهر شنوندگان به شمار می آمدند که در درازای سالها ناپدید نشد.

والتر نوشت: «ارکستر فیلارمونیک لنینگراد، گروه خانه نمایش آوازی و مردم که مرا با شور و شوق خود شاد کردند، به زندگی موسیقایی روسیه نیروی مهرورزانه ویژه ای بخشید». او با شور موسیقی را اجرا می کرد - از گلینکا تا شوستاکوویچ که سمفونی نخست دیمیتری دیمیتریویچ را برای نخستین بار در اروپا اجرا کرد. او گیرایی رویایی سن پترزبورگ را که در آفریده های "فرهنگ نوشتاری بی مانند روسیه" دیده می شوند دوست داشت.»



نوشته های پوشکین، لمانتوف، گوگول و داستایوسکی را بار دیگر می خواند! نمی توانست خوش گذرانی هرزه گونه به شیوه روسی، مهمانی گسترده و جوشان، با سواری بر روی سه تایی ها [ترویکاها، سورتمه سه اسبی] و ترانه های کولی ها را از یاد برد. درباره

دل‌بستگی به فرهنگ روسی، رهبر در یادماندگارهای خود «جستار موسیقایی با دگرگونی‌های موسیقایی آن [تم با واریاسیون‌ها]» می‌گوید.

بسنده است تا این نسک [کتاب] بسیار خوب را که گواه شایستگی فرهنگ نوشتاری - [ادبی] نویسنده است ورق بزنید تا آسوده‌اندیش شوید که از سوی یک موسیقی‌دان نوشته شده است. آیا او خیابانک‌های برلین دوران کودکی‌اش را می‌انگارد که ناهماهنگی آن‌ها در «لایت‌موتیف یک سمفونی نآهنگین» گزیده‌چینی می‌شود؟ آیا او یادگارهای «آوا دهنده» دربارهٔ وین را با دیگران در میان می‌گذارد یا شادی ای را که هنگام گوش دادن به شباهنگ [بلبل] برای اولین بار از سر می‌گذراند؟ آیا او با مهر و گرمی در مورد پدر و مادرش گفتگو می‌کند که نمونهٔ آنها از سرگرمی‌های موسیقی خانگی جدایی‌ناپذیرند؟ آدمی که خواهی‌ناخواه رویدادها و برداشت‌های زندگی را به‌آوا در می‌آورد در همه چیز آشکار می‌شود. حتی رویدادهای تبهکارانهٔ دو جنگ جهانی، گاهی آن «کوبش‌ها بر روی کوس - آیین خاکسپاری» سال ۱۹۱۴، گاهی «آمیزه‌ای دیوانه‌کننده از دم‌های در حال مرگ و موسیقی وشک» را در خرد - او ظنین‌انداز خواهد کرد (همان‌گونه که داده‌ها دربارهٔ پیوند دادن - اتریش به آلمان - نازی را که از فرستندهٔ آوایی [راديو] پی‌درپی با والس‌ها و رژه‌ها [مارش] پخش می‌شدند)؛ یا، در پایان، دهشتناک‌ترین ناهماهنگی‌های آوایی - "فریاد پریشان‌روانی" سرشار از بی‌زاری - پیشوا [آدولف هیتلر] را به یاد می‌آورد.

**والتر** که آزمون‌های بسیاری را پشت سر گذارده بود، می‌پرسید: «آیا ما نباید همین که قدرت شرکاهش یافت، زیبایی‌ها را به یاد بیاوریم؟»

موسیقی، انگارش [تجسم] زیبایی، «راستای [قطب] آرامش در روند پدیده‌ها»، جستار بنیادین در زندگی او به‌شمار می‌آمد. از ابتدا، هنگامی که او کودکی بیش نبود، با نیروهای آرفه‌ی، «بدل به نشانهٔ فرمانبری و فروتنی شد»، و هنگامی که او نخستین آزمون خود را در برابر رادیکه، رهبر گروه خانگی نمایش آوازی - پادشاهی [اپرای سلطنتی] برلین انجام داد، این موضوع تا دوستی وی با **توماس مان**، برنده جایزه نوبل که نقطه اوج شهرت جهانی **والتر** بود، یکسان باقی ماند. هم سرپرست [کاپل مایستر] پیر و هم همسر دوستش **کاتیا مان**، **والتر** را تقریباً با واژگانی همانند وصف کرده اند. به بیان رادیکه «هر سانتی متر وجود او موسیقی است» و به گفته **کاتیا مان** «موسیقی همزاد او اوست». در میان این گواهیات، یک زندگی - فراگیر [کامل]، زنجیرهٔ پایانی - دگرگونی موسیقایی می‌باشد.

آموزش در آموزشگاه والای موسیقی - اشترن برای **والتر**، پیانیستی توانا، نخستین کامیابی‌های اجرایی را به همراه آورد، و آشنایی با آدمی چشمگیر [شخصیت خارق‌العاده]، **هانس فون بیولو**، گزینش راه کاری او را آشکار کرد. او برآن شد تا رهبر ارکستر شود و به‌زودی در کلن همچون سرپرست نمایش آوازی سرگرم کار شد. سپس به هامبورگ که سرنوشت، دیدار با **گوستاو مالر** فرهوش را برای او آماده کرده، می‌رود.



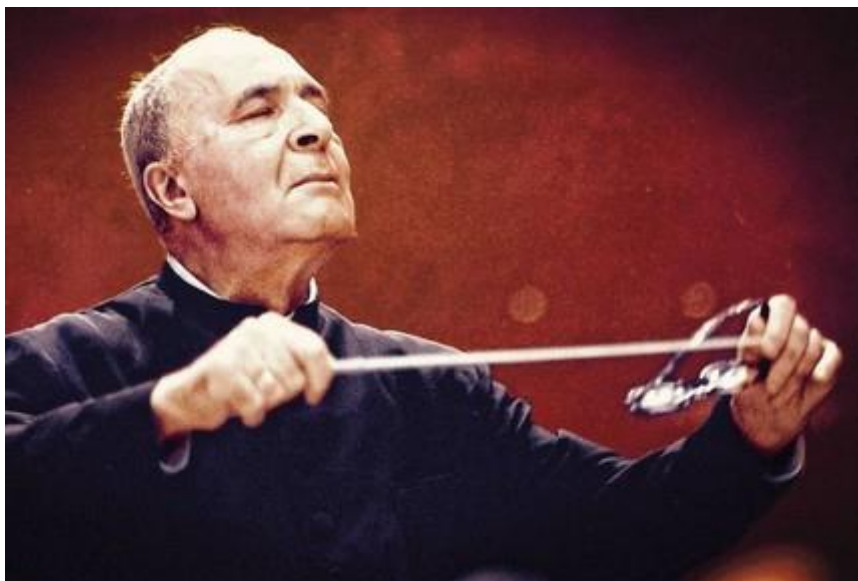
با یادآوری آن دوران، والتز بی چون و چرا راست‌اندیش، چنین می‌گفت: همه گسترش هنری من، آری همه زندگی من زیر درایش [تاثیر] او بود». پس از پنج سال، با شروع کار در خانه نمایش درباری. وین، او بدل به نزدیک‌ترین دستیار مالر در بهینه‌سازی جسورانه پهنه اجرایی نمایش آوازی او شد». دیرتر والتز دو ساخته مالر، سمفونی نهم و «آوازه درباره کره زمین» را برای نخستین بار رهبری کرده، و بدل به اجراکننده پذیرفته شده موسیقی او می‌شود.

در میان دو دوره مالری، آزمون‌افزایی [افزایش تجربه] در برسلاو، پتربورگ و ریگا، خدمت در خانه نمایش آوازی کشوری [دولتی] برلین در خیابان اونتر-دین-لیندن روی داد. ارزشمندترین دوران‌های پلکان کاری دوران فرازمندی هنری او، سرپرستی خانه نمایش آوازی باواریا در مونیخ، خانه نمایش شهری در برلین، ارکستر گواندهاوس-لایپزیک، جنگ-کنسرت‌های برونو والتز» با فیلامونی برلین و هنبازی در جشنواره‌های زالسبورگ به‌شمار می‌آمدند. در سال‌های جابجایی ناچاری جای زندگی [مهاجرت]، او سرشارانه با بهترین ارکسترهای سمفونیک و گروه‌های نمایش آوازی آمریکا کار می‌کرد، و پس از جنگ، چشم به راه او در اروپای آزاد نیز بودند.

به احتمال والتز در کنار مالر، که در نزد او همه چیز در ضدیت با دشمنان ابدی هنر یعنی تنبلی و روزمرگی بود («او حتی یک لحظه را پیش پا افتاده نمی‌دانست، هیچ یک از اندیشه‌های اش و حتی هیچ یک از واژگان به زیان نیامده‌اش خیانت به روح او به شمار نمی‌آمد»)، به گفته او «جنبه رسولی» ذات خود را درک کرد. در نوشته «درباره موسیقی و سرگرمی موسیقیایی»، او خوانندگان را به این جستار می‌باوراند که «ارزش کارهای هنری در هر کنسرت یا اجرای نمایش آوازی تنها از آنجا روشن می‌شود، که تا چه اندازه‌ای برداشت‌ها از بزرگی و سرشارگی آفریده موسیقیایی و ارزش سازندگان آنها آشکار شده باشند. اگر رهبر در جایگاه اجرای درخواستی [مسئله] همسان باشد، اگر او بگونه‌ای خستگی‌ناپذیر در تلاش برای دستیابی به این آرمان بنیادین اجرای موسیقی باشد، آن زمان او خود را پیرو پذیرفته شده یک فرهوش هنری آفرینش‌گرانه و خدمتکار وفادار هنر خود نشان خواهد داد».

او با اشتیاق یک حواری، افراط-دلخوشی سبک‌سرانه و روشنفکرگرایی سرد و بی‌روح-را محکوم می‌کرد. روان-پیشکش شده او به «مذهب موسیقیایی» از موسیقی سرگرم‌کننده سبک و ساخته‌های موسیقیایی برپایه خردمندی یخ زده [عقلانیت منجمد] آنونال [با نبود زنجیره آوایی مشخص] و دوازده آوایی [تن] رنج می‌برد، چرا که به گفته والتز، هوده‌های سرشتین- [قوانین طبیعی] دانش هماهنگی [هارمونی] رفته رفته از میان می‌روند.

او با پیروی از این بنیاد [اصل] که «هر چیز زیاده‌روی، دشمن هنر، و بیشتر، نشانه بزرگ‌نمایی است»، گزافه‌گویی را چه در برداشت‌ها و چه در جنبه‌های تنها بیرونی-سرپرستی ارکستر، روا نمی‌دانست.

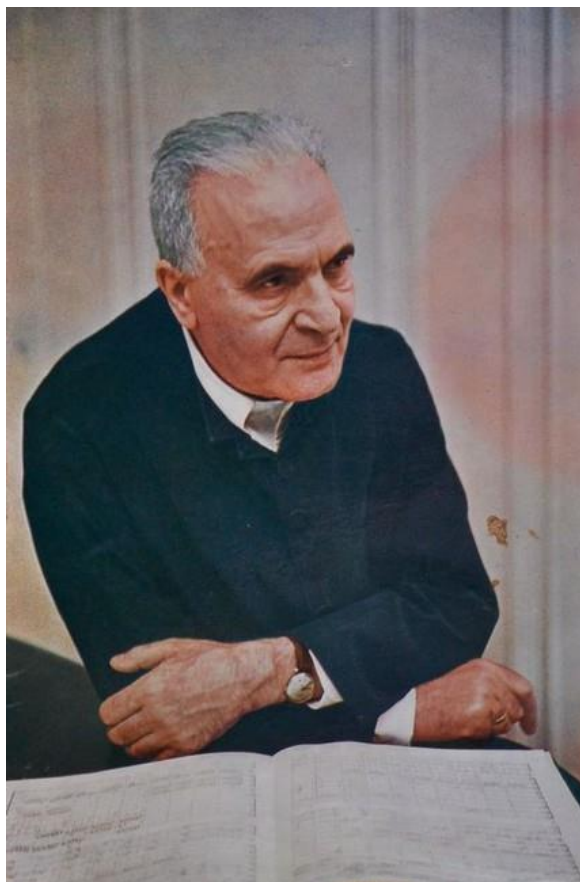


این او است که با دوربین نمایش روی پرده [فیلمبرداری] نشان داده شده، در جایگاه بلندی در برابر موسیقی دانان ایستاده، پر سر و آوا [صدای]، آزاد. و بی‌درنگ رمز [فرمول] دوست داشتنی او به یاد آورده می‌شود: «هنر، نبودن دلواپسی است». چشم‌ان تیره ژرف، چهره فرتابگر، جنبش نیرومند، درست، نرم. دست چپ در نگاه‌داری دینامیک است، گویا هشدار می‌دهد: اندازه را به‌دیده مدار [در نظر بگیر]. هیچ‌گونه دست‌پاچی یا سبک‌گرایی نیست. خدمت پارسایانه در جایگاه نیایش [محراب] موسیقی.

رهبری مردانه والتز در تلاش برای رسیدن به «ابتدای زنانه» ملودی بود. خود آهنگین‌داری در درک خود، سرایشگری آن، سرچشمه روشنی و گسترش روندگی [جریان] بشمار می‌آید. شاید، یهودی منوهین بهتر از هر آدم دیگری پی برد و کارکرد اجرایی رهبر را گزیده‌چینی ساخت: «برونو والتز نسبت به موسیقی همواره برخوردی همچون به آوای آدمی داشت». و در جایی دیگر: «او هیچ‌گاه بر جای‌گاه‌های خود پافشاری نکرده، نه به موسیقی و نه به موسیقی‌دانان فشار نمی‌آورد (هرچند در آن اندیشه نبود، که آنها را با یکدیگر نایکسان بداند: آنها برای او باشندگان زنده، تپنده و درایشناک به‌شمار می‌آمدند، که نمی‌شد آنها را در چارچوب‌های خشن خشک‌اندیشی جای داد)».

والتز زمان درازی را با نوشتارهای آوایی به‌سر بُرد. گردی‌های آوایی - زودرس او با گیرایی گذشته، نمایان شده زیر - خش‌خش - سوزن دست‌گاه گردی‌آوایی [گرامافون] پوشش یافته. دیرتر، نوشتارهای آوایی - انجام شده در ایالات متحد آمریکا، دستاوردهای والای دانش کارشناسی نوشتار آوایی [ضبط صوت] را نشان می‌دهند. اما نوشتارهای آوایی اروپایی والتز تنها از این دید با یکدیگر ناهمسان می‌باشند. بیرون‌کشی - کلفت، پُر - آوای گروه سازهای زهی، نوازندگی درخشانده سازهای بادی (بویژه سازهای بادی مسی) و هماهنگی والای گروه، که ارکسترهای نامدار آمریکایی به آن می‌بالند، و خود - والتز را همچون «پی‌باکی - زبردست»، نمی‌توانستند بر برداشت - رهبر درایش [تاثیر] گذار باشند. هرچند که آنها بی‌اندازه خوب می‌باشند، گویا، هواداری و نرمی - آواهندگی - گروه‌های اروپایی اما به این استاد سایه - روشنی‌ها نزدیک‌تر می‌باشد.

شنیدن نوشتارهای آوایی سال‌های نخستین او می‌ارزد، تا ما همراه با این رهبر، شیفته موتسارت شده، برجستگی «جدی بودن در شادی نوازش‌گرانه، شکوه در زیبایی آن» را ببینیم. در **بتهون** تپشی یگانه، که گویی ریسمان - بیکفورد به آن می‌کوبد، و با شادی آمیخته شده از خود موسیقی نیز، درایش‌آمیز است. پی‌باکی - برداشت او از **برلیوز** با هماهنگی - سازنده ساختارهای **بروکنری**، «اندیشه ملودی»، پدیدار شده در برداشت‌ها از موسیقی **واگنر**، با بخشش ناشتابانه «میزان - سه چهارم بالنده» والس‌های وینی پیوند پیدا می‌کند. آدم‌گرایی - تخته‌نگاره‌کشی - سمفونیک **مالر** و سپاس بدرودگویان - زندگی، که سمفونی «پایان نیافته» **شوبرت** با آن روشن شده، و اجرا شده از سوی **والتز** در وین دو سال پیش از مرگ وی، ما را می‌لرزاند.



**برونو والتر** را به خاطر برخوردِ همدردانهٔ او به ارکسترها و همکارانِ گروه، به خاطر نمونهٔ یک روشنگر و باور به «تابش» فراخویی [اخلاقی] هنر، بارها آدم‌گرا می‌نامند. او به اجراکنندگان اندرز می‌داد تا «در تلاش برای واگذاری درایشات درونی باشند، اما در کنار همهٔ دلواپسی آنها، وارستگی را نگاه‌دارند»، زیرا «نخستین نشانهٔ وارستگی، را سامرست موآم دید، و این عبارت است از سادگی و روشنی». همه این ویژگی‌ها تا اندازهٔ بسیار درخورِ والتر، این «بیرو فروتن موسیقی» بود، که به ما می‌آموزد که چیز بنیادین را در روندی فرعی پیدا کنیم و آنجایی که می‌توان معنی را با آوایی زمزمه‌گونه به زبان آورد، فریاد نزنیم.

یکترینا شه لوخینا

سرچشمه: [Belcanto.ru](http://Belcanto.ru)

برای آشنایی بیشتر با هنر برونو والتر، نشانی‌های زیر را پیشنهاد می‌کنم:

<https://youtu.be/EwSTHzfqyek>

<https://youtu.be/NV3ICecRBKc>

برگردان نوشته‌ای دربارهٔ برونو والتر در برگ اینترنتی [نگاه شود به سرچشمه] از زبان روسی به زبان پارسی و گزینش برخی از نگاره‌ها از بابک بردیا (آهنگساز، استاد رشته‌های دانش همگانی [تئوری] موسیقی، ماستر [استاد] هنرهای زیبا، نوازنده پیانو و آموزگار در این رشته‌ها!)

برلین، ۱۰ ماه نوامبر سال ۲۰۲۲